

گفتمان سکولار اقتدارگرا در مصر: از خیزش ژانویه ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵

حسن مجیدی^۱ - جبار شجاعی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۴)

چکیده

شکل‌گیری خیزش ۲۰۱۱ مصر، موجب شد تا نظامی از تداخل گفتمانی در این کشور شکل گیرد و نوعی از تقابل و تعامل را بین سکولارها با مسلک دموکراتیک و اقتدارگرایی و همچنین اسلام‌گرایان با دو مرام یادشده ایجاد شود. تحولات مصر از یک منظر جلوه منازعه گفتمان‌هایی بوده است که در به حاشیه رانی رقیب و تثبیت نظام معنایی خود کوشیده‌اند. یکی از این گفتمان‌ها؛ سکولار اقتدارگرا است. بدین ترتیب، پرسش این‌جاست که معنا و مفهوم گفتمان یادشده و همچنین مؤلفه‌های آن کدامند؟ و چه گروه‌ها و احزابی از آن پیروی می‌کنند؟ پاسخ بدین پرسش با روش لاکلابی، این است که: گفتمان مزبور سعی دارد تا دال‌هایی چون توسعه اقتصادی؛ حقوق شهروندی و کرامت انسانی؛ مبارزه با تروریسم؛ عدالت اجتماعی و استقلال در سیاست خارجی را به‌وسیله دال مرکزی «امنیت» معنا بخشد و هویتی جدید بیافریند. نظامیان مصر که از همین منطق گفتمانی پیروی می‌کنند، توانستند تا با امنیت‌سازی مصر و به‌زور شمشیر، گفتمان رقیبشان را به حاشیه رانده و خود را هژمون سازند.

واژگان کلیدی: مصر، خیزش ۲۰۱۱، گفتمان سکولار اقتدارگرای ارتش

majidi118@gmail.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه شاهد

jabarshojaei@yahoo.com

مقدمه

حسنى مبارك؛ رئيس جمهور پيشين مصر دوران حكومت ۳۰ ساله خود بر اين كشور را، از سال ۱۹۸۱ و به دنبال ترور انور سادات شروع (حموده، ۱۹۸۵: ۱۹۳) و با قول برگزاري انتخابات آزاد و محدود كردن رياست جمهورى در اين كشور به دو دوره، تخت رياست را به نام خود ثبت كرد (مورو، ۱۹۹۴: ۱۴۳-۱۴۵). ولى همانند ديگر رؤساي جمهور مادام‌العمر عرب، با تغيير چند بند از قانون اساسى كشور، توانست ۳۰ سال بر مصر حكمرانى كند. جالب اين جاست كه تا سال ۲۰۰۵، انتخابات رياست جمهورى مصر، به شكل رفراندوم بله يا خير برگزار و بيشتر اوقات حسنى مبارك، با درصد بالايى از آراء، موفق به حضور در پست رياست جمهورى مى‌شد.

هم‌زمان با سال ۲۰۰۵ كه حسنى مبارك، تحت فشارهاى داخلى و خارجى با برگزاري انتخابات به‌صورت رقابتي موافقت كرد، سپهر سياسى در اين كشور تبديل به صحنه‌اى تحركاتي و نو شد كه احزابى چون الغد، جنبش كفايه، مجموعه جوانان ۶ آوريل و ديگر احزاب و گروه‌هاى مخالف با وارد كردن گفتمان اعتراضى به خيابان‌هاى قاهره، تحركاتي گسترده به راه انداختند.

در همين زمان تعدادى از افراد و شخصيت‌هاى سياسى مصر و همچنين گروه‌هاىي چند از مخالفين اين كشور معتقد بودند كه مى‌توان از ظرفيت‌هاى موجود بهره برد و در چارچوب قانون كنوانى تغييراتي را اعمال نمود. نتيجه اين شد كه بيشتر احزاب و گروه‌هاى سياسى مصر، در انتخابات پارلمانى سال ۲۰۰۵، شركت كردند. ولى اين انتخابات با تبانى رژيم مبارك و برخى جريان‌هاى سياسى، به طور كامل دستكارى شده و به نفع هيئت حاكمه مصادره شد. با اين حال در همين زمان گروه‌هاىي چون اخوان المسلمين، برخلاف ديگر گروه‌هاى اپوزيسيون كه اجازه حضور در مجلس را نداشتند توانستند ۲۰ درصد كرسى‌ها را به نام خود ثبت كنند.

پس از مدتى و به سال ۲۰۰۷، حسنى مبارك اصلاحاتى را در قانون اساسى البته در جهت عكس مطالبات گروه‌ها و احزاب مخالف ايجاد و به تصويب مجلس رساند. نتيجه اين تغيير و تحولات در قانون اساسى، اين شده بود كه هم شرايطى دشوار براى كانديداتورى در انتخابات رياست جمهورى ايجاد كرد و هم نظارت قضايى بر انتخابات را محدود كرد (مسعد، ۲۰۱۰: ۴۸۴) و در نتيجه بر دامنه‌اى اختيارات وزارت كشور در تغيير آراى مردم و دست‌كارى انتخابات افزود. اين تغييرات كه اعتراضات گسترده‌اى را برانگيخت، با سركوب نظام روبرو شد (بودريا، ۲۰۱۰: ۶۹). در انتخابات پارلمانى سه سال بعد و به سال ۲۰۱۰ كه در ماه‌هاى نوامبر و دسامبر برگزار شد، گروه‌هاى مخالف به دو دسته: تحريمى و شركت‌كننده تقسيم شدند. استدلال گروه‌هاىي كه تحريم كردند اين بود كه با توجه به نتايج انتخابات سال‌هاى ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ شركت در انتخابات

فایده‌ای ندارد و می‌بایست که آن را تحریم کنیم. دور اول انتخابات برگزار و حزب دموکرات ملی با پیروزی قاطع، صدرنشین شد. از این رو، احزاب اصلی شرکت‌کننده در دور اول هم دور دوم را تحریم کردند و نهایت امر این‌گونه رقم خورد که حزب حاکم، ۹۷ درصد کرسی‌های مجلس را از آن خود کند (درخشه و هراتی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۵).

نتایج این انتخابات مخالفین را بیش‌ازپیش رادیکال کرده و خشم عمومی را برانگیخت. در همین خصوص دستگاه قضایی مصر با این استدلال که حسنی مبارک، قضات مصری را تحقیر کرده و آن‌ها را به‌مثابه ابزاری برای نیل به مطامع سیاسی خود انگاشته است، رویه اعتراض و مخالفت در پیش گرفت. در این زمان، گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن بود که انتخابات پارلمانی مقدمه‌ای است بر انتخابات ریاست جمهوری و به قدرت رسیدن جمال مبارک (مسعودنیا و سعیدی حیزانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۵). از سوی دیگر، فضای خفقان حاکم بر مصر، نشان از این بود که خیابان‌های قاهره شاهد آتش خشم معترضین باشد لذا پیش‌بینی می‌شد که این جرقه در انتخابات ریاست جمهوری زده شود. ولی انقلاب یأس تونس، با ارائه الگویی نوین تمامی محاسبات حزب حاکم بر مصر و پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران را به‌یک‌باره برهم‌ریخت و با سرایت این جنبش به مصر، مهر پایانی بر سیاست حسنی مبارک در مصر زد. با سقوط نظام مبارک، هرکدام از گروه‌های سیاسی مصر، با منظومه فکری خاصی، سعی داشتند تا آینده این کشور را به نام خود ثبت کنند (توفیق، ۲۰۱۴: ۳-۷). از این رو، ضمن تصویرسازی تاریکی از نظام سیاسی مبارک، مدینه‌ی فاضله‌ای برای حضور در آینده سیاسی این کشور ترسیم کرده و از این طریق درصدد بودند تا مردم را به گفتمان خود جذب کنند. می‌توان از شکل‌گیری نوعی نزاع گفتمانی در مصر *پسا مبارک* صحبت به میان آورد. این نزاع که بین دو گفتمان سکولار و اسلام‌گرا بامسلك دموکرات و اقتدارگرا شکل گرفت، در ابتدا اسلام‌گرایان به رهبری محمد مرسی و تحت رهبری ارتشیان که منطبق گفتمانی خود از گفتمان سکولار اقتدارگرا پیروی می‌کردند توانستند کرسی ریاست را به نام خود ثبت کنند. لکن بعدها با کودتای همین ارتش، نظام دموکرات مصری به زیر کشیده و نظامی‌ها دوباره بر سریر قدرت نشستند. از این رو، سؤال اینجاست که گفتمان سکولار اقتدارگرا به رهبری گروه‌هایی چون ارتش از چه نظام معنایی و منطق هویتی برخوردار بوده؟ و چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ و در همین راستا، ارتش در نظامی‌سازی خود، چگونه از این گفتمان بهره گرفته و می‌گیرد؟ در ادامه بر آن هستیم تا با روش «لاکلا»، ضمن تشریح گفتمان یادشده، مؤلفه‌های حاکم بر منظومه گفتمانی را تبیین کنیم.

چارچوب نظری: تحلیل گفتمان

از آنجایی که تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، مبنایی برای فهم و تحلیل گفتمان‌های سیاسی حاکم بر مصر است، در ادامه به شرح مؤلفه‌های آن می‌پردازیم.

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به: «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون: انسان‌شناسی؛ قوم‌نگاری؛ جامعه‌شناسی خرد؛ روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی؛ شعر؛ معانی‌بیان؛ زبان‌شناسی؛ نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار پدید آمده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷).

تحلیل گفتمان از سوی متفکرانی که هرکدام بر مبنای بینشی خاص تعریف شده و تعبیر یافته است که در ادامه هرکدام را بررسی خواهیم کرد:

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس در سال ۱۹۵۲ به کار رفته است. در این مقاله زلیک هریس یک دید صورت‌گرایانه به جمله دارد و تحلیل گفتمان را نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن برشمرده (عضدان لو، ۱۳۸۰: ۸۹).

زبان‌شناسی انتقادی تحلیل گفتمان را قسمتی از طرح خود برای بازسازی مجدد جریان مسلط زبان‌شناسی به حساب می‌آورد یعنی تحلیل گفتمان انتقادی در نظر دارد که زبان‌شناسی را عنصری مسئول درباره مسائل اجتماعی و قوانین مرتبط به آن بداند (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۹-۱۴۱).

تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

در نگاه لاکلا و موفه گفتمان؛ جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد که این ساختن از طریق زبان است و ماهیتی بی‌ثبات دارد. زبان در ایجاد واقعیت و در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. دسترسی به واقعیت، تنها از طریق زبان حاصل می‌شود و هیچ واقعیتی از پیش تعیین شده وجود ندارد. در این دیدگاه تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی خواهد شد. از این‌رو نزاع گفتمانی به ایجاد تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌گردد. با این وجود به نظر می‌رسد که ارتباط گفتمان با واقعیت ارتباطی دیالکتیک است؛ چراکه الزامات تاریخی؛ اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توانند نوع خاصی از گفتمان را درخواست و پس از مدتی آن را

حاکم سازند. بر این اساس گفتمان‌ها بنا بر مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و کاستی‌هایی که گفتمان حاکم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ نظام معنایی خود را به‌عنوان نظامی کارآمد در برون رفت از مشکلات جامعه بازسازی می‌کند.

در نتیجه گفتمان‌ها اموری غیرقابل تغییر نیستند و هویت خود را به‌واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان‌ها دارند باز تعریف می‌نمایند. در واقع گفتمان آنگاه که بتواند به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خودش را تثبیت نماید به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می‌شود. هویت یک گفتمان ارتباطی پویا و فعال در همین راستا دارد، آنگاه که یک گفتمان دچار تصلب شده و نتواند آن‌گونه که باید و شاید با زیست‌بوم اجتماعی خود ارتباط برقرار کند، راه به‌سوی نابودی می‌برد. درحالی‌که اگر بتواند بر مشکلات فائق آید، جذاب بوده و راحت‌تر از سوی سوژه‌ها پذیرفته می‌شود. با این شرایط است که یک گفتمان خود را هژمونیک می‌سازد. مقصود از هژمونی‌سازی این است که یک گفتمان نظام معنایی خود را برجسته ساخته و نظام معنایی رقبایش را به حاشیه می‌راند (یورگن سن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۷).

بنابراین تحلیل گفتمان لاکلا با مجموعه‌ی وسیعی از داده‌های زبانی و غیرزبانی به‌مثابه‌ی متن برخورد می‌کند. می‌توان گفتمان را چنین تعریف کرد: «گفتمان مفصل‌بندی حول یک نشانه و دال است که چینش ذهنی و تشکیل نظام معنایی را تثبیت و هژمونیک کردن آن با ایجاد یک اجماع و اقناع عرفی موقت است» (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۶). تحلیل گفتمان لاکلا مشحون از مفرداتی است که فهم این دو نظریه مشروط به شناخت آن‌هاست.

همان‌طور که اشاره شد یکی از گفتمان‌های امروز مصر که با تحولات سال ۲۰۱۱ توانست به‌نوعی خود را در قالب گفتمان نشان دهد؛ سکولار اقتدارگرایی است که امروزه بر جامعه مصری حاکم هست. در ادامه با روش لاکلا ضمن تشریح نظام معنایی این گفتمان، مؤلفه‌های حاکم بر آن را تبیین می‌سازیم.

سکولار اقتدارگرا از جمله گفتمان‌هایی است که هم‌زمان با انقلاب ایجاد شد سپس توانست قدرت خود را بر همگان هژمون سازد که همواره خود را ناجی ملت مصر نامیده و امروزه پس از هژمونیک کردن خود، در تلاش است تا با غلوکاری خود و ضعف رقیب، نظامی آرمانی و کارآمد نشان دهد که با ترسیم آن توانست هژمونیک شده و رقبا را از میدان سیاست به در کند، برای شناخت این گفتمان و تثبیت آن، بهتر است که روند شکل‌گیری آن را تبیین کنیم.

گفتمان یادشده که ارتش و نظامیان مصر آن را نمایندگی می‌کنند همواره در لباس حلال مشکلات خود را برای مردم این کشور نمایانده است (أرندت، ۱۹۹۲: ۷۳)؛ و هژمونیک شدن را

می‌توان از همان روزهای اول سقوط مبارک مشاهده کرد (شایرو، ۲۰۱۲: ۲۱۳). ارتش با ندای مردم‌داری و کمک به ملت عرب مصر، توانست بر فضای ملتهب مسلط و امنیت نسبی را به کشور بازگرداند. سپس با برگزاری انتخابات، گزینه‌ی دیگری از قهرمانی ارتش و مردم‌داری‌اش برای مردم مسجّل گشت و آن انتقال قدرت به رأی مردم بود. این اقدام ارتش، تصویری دموکراتیک از نظامیان نشان می‌دهد که با وجود جایگاه اقتدارگرایی‌شان، چهارچوب‌های سیاسی جاری در سطح نظام بین‌المللی را به‌خوبی شناخته و پایبند است (هراتی و ظفری، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۵۲). از این رو شاهدیم که مردم ارتش را ملجأ خواسته‌های خود شمرده و بیانیه‌هایش را به‌مثابه‌ی پایان خوش تحولات می‌دانند. دوران حکومت مرسی، با تصویرسازی نظامیان برگی دیگر از مردم‌داری ارتش را برای ساکنان اهرام رو کرد. مرسی که روزبه‌روز دایره‌ی اشتباهاتش فزونی می‌یافت و نتوانست درخواست‌های انقلابیون به‌خصوص جوان‌ها را آن‌گونه که خود وعده داده بود،^۱ استجاب کند و با همراهی رادیکال‌ها و همچنین اسرائیل، مردم مصر را شوراند که خودشان، خواهان پایان یافتن این دو اقدام بودند. از سوی دیگر برخورد مرسی با ارتش این کشور نیز، نظامیان را شوراند تا مرسی را براندازند. ارتش با تصویرسازی و برجسته‌سازی نقاط ضعف مرسی، جامعه‌ی مصر را ملتهب ساخت تا خود بتواند از این آب گل‌آلود برای ساخت جامعه‌ای آرمانی و سیطره‌پیکره‌بندی‌شان بهره‌گیرند. پس از شروع تظاهرات ضد مرسی بی‌نظمی بار دیگر سراسر مصر را فرا گرفت. بازهم همچون گذشته با هدف امنیت و ثبات، تظاهرکنندگان شورش کردند. ارتش هم از فرصت استفاده کرده و توانست با مفصل‌بندی جدید از دال‌های شناوری که گفتمان حاکم پاسخگوی آن‌ها نبود تحت لوای عبدالفتاح السیسی، سوژه‌ی گفتمانی خود، گفتمان سکولارِ اقتدارگرا را بر مصریان مسلط گرداند.

مرسی در اوج بحران جامعه‌ی مصری قدرت را در دست داشت. دولت وی مجموعه‌ای از باقی‌ماندگان رژیم سابق را که چنین امری این سازمان‌ها را در مقایسه با مطالبات انقلاب، مخروبه‌ای بیش نبود، به همراه اقتصادی ورشکسته که از رژیم پیشین به ارث برده بود با روند روبه‌رشد اضمحلال سرمایه و نیروهای انسانی، هرروز اوضاعی بدتر از پیش پیدا می‌کرد. تقاضاهای اجتماعی سرریز شده، بیش از توان این دولت نوپا بود. فروپاشی ائتلاف گفتمان‌های مخالف مبارک و رشد سریع گفتمان‌ها، حزب‌ها و گروه‌های جدید بر شدت منازعه‌ها و تنش‌های داخلی می‌افزود و در این میان شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید اقتدار دولت را به چالش

۱. محمد مرسی و یا به‌طور کلی اخوان‌المسلمین، به جوانان انقلابی وعده داده بودند که در صورت به قدرت رسیدن وزارت تحت عنوان وزارت جوانان تأسیس، یکی از همین جوان‌ها را مسئول این وزارتخانه خواهد کرد.

می‌کشید. این ائتلاف‌ها که بیرون از سیطره دولت و در زیر چتر گفتمان سکولار قرار داشتند، این واقعه؛ دولتی در دولت به شمار آمده و حاکمیت دولت مرسی را به چالش می‌کشیدند. این گونه بود که دولت مرسی به شیر بی‌یال و دمی می‌مانست که با وجود انتظارات بسیاری که از او می‌رفت، توانی اندک داشت.

عامل اصلی ناکامی‌های مرسی و دولت‌مردانش در ناتوانی درک و همراهی با جامعه به شدت انقلابی مصر نهفته بود. مرسی که مشی اخوانی خود، مبنی بر تدرج و حرکت لاک‌پستی که ریشه در تجربه سیاسی اخوان دارد را پی می‌گرفت درصدد بود تا تفکر چندین ساله اخوان در خصوص اقامه حکومتی مبتنی بر اسلام، با قرائت سنی مذهب در جامعه مصر محقق سازد. به همین خاطر مجبور بود تا روند سیاسی تثبیت شده از دوران مبارک را تا مدتی برای مهیا گشتن فضا جهت مانور بر اساس راهبرد خود پیش‌رود. تاکتیک خود را به همراهی رژیم صهیونیستی و جذب سلفی‌ها قرارداد و برای به حاشیه‌رانی نظامیان با سبقه‌ای که از خود نشان داده بودند با هدف تسلط دولت بر آنها تمام تلاش خود را کرد.

این امور با روحیات جامعه مصر ناسازگار بود که پس از سال‌ها سرکوب و اختناق، آزادی را احساس می‌کرد و هرروز پیش‌اپیش به گفتمان‌های انقلابی؛ سریع؛ مدرن و دموکرات تمایل می‌یافت.

مرسی که در آخرین روزهای حیات سیاسی خود به این نکته پی برد، تلاش کرد تا عناصر سیال گفتمانی‌اش را بازخوانی و از نو مفصل‌بندی کند. او مانند مبارک که در روزهای آخر سقوط، حرف از تغییر می‌زد، قول داده بود که مطالبات مردم را پاسخ دهد. مرسی که وظیفه داشت کار انتقال از نظام قدیم به نظامی جدید را سامان داده و تثبیت کند در منازعه گسترده گفتمانی تاب نیاورد و میدان را به رقیب خود واگذار کرد.

زمینه‌های پیدایش گفتمان سکولار اقتدارگرا

پیدایش گفتمان سکولار اقتدارگرا در عوامل فراوانی ریشه داشت. ناتوانی گفتمان اسلام‌گرای دموکرات در جذب و ساماندهی جامعه مصری و حفظ نیروها و تثبیت نشانه‌های مدنظر خود، زمینه‌های اجتماعی پیدایش گفتمان جدید را فراهم آورد.

فعال شدن دوباره گفتمان‌هایی که در طی یک سال حکومت مرسی به حاشیه رانده شده بود در پی این ناکامی صورت گرفت و وعده لازم را برای پیدایش گفتمان سکولار اقتدارگرا فراهم آورد. از سوی دیگر جنبش جوانان انقلابی که از دل همین گفتمان اسلام‌گرای

دموکرات سر برآورد و فعالیت گسترده نیروهای سکولار؛ لیبرال و ملی‌گرای مصر تحت لوای محمد البرادعی و دیگر رهبران در چارچوب جبهه‌ی نجات ملی در فراهم کردن پشتوانه‌ی تئوریک گفتمان سکولار اقتدارگرا تأثیر بسیاری گذاشت. پیوند نیروها و گفتمان‌های سیاسی به حاشیه رانده شد و جنبش جوانان مصری (تمرد) بود که مفصل‌بندی تازه‌ای را رقم زد؛ سرانجام پیدایش ملی‌گرایی سکولار بامشی اقتدارطلب را در پی داشت. این گفتمان‌ها و نیروهای سیاسی در طول دوران حکومت مرسی توسط ایشان و دیگر همراهانش به حاشیه رانده شده بودند. از سوی دیگر، برخی از نیروهای گفتمان اسلام‌گرای اقتدارگرا به فعالیت سیاسی روی آوردند که موجب پیوستن سیاست‌مداران در حاشیه بودند و انقلابی‌های جوان شد (اسماعیل، ۲۰۱۴: ۲۳۵).

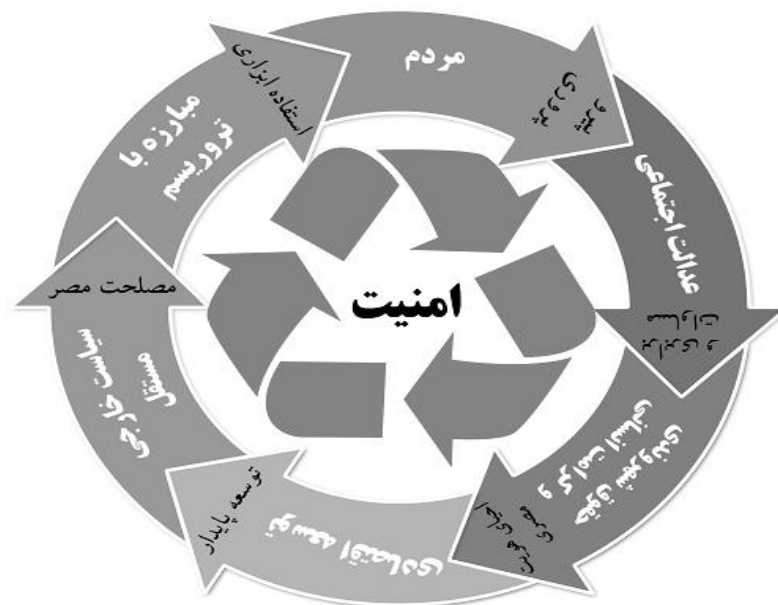
بیانیه افزایش اختیارات ریاست جمهوری که توسط محمد مرسی صادر شد سرآغاز مخالفت‌های فراگیر و همه‌جانبه علیه مرسی و اخوان المسلمین بود. با این حال بازهم محمد مرسی و اخوان المسلمین ضمن فراموشی دال‌های تهی در میدان گفتمانی‌شان، قابلیت بالای مخالفان را برای بسیج عمومی علیه خود نادیده گرفتند و همچنان به واگذاری پست‌های مهم حکومتی به نامزدهای وابسته به اخوان ادامه دادند. این‌گونه اقدامات موجب شد تا مخالفان از اصطلاحاتی نظیر «دیکتاتوری حزبی» یا «فرعون مصر» و یا «مرسی؛ مبارکی دیگر» استفاده کنند و به افکار عمومی بقبولانند که مرسی، رئیس‌جمهور مردم مصر نیست بلکه رئیس‌جمهوری است که در خدمت اخوان المسلمین و سران آن قرار دارد. چنین تصویری از این گروه در فضای مفصل‌بندی، آنگاه که جایگزین گفتمان‌های رقیب قرار می‌گرفت، باز سازی منظومه گفتمانی اخوانی‌ها را بیش از پیش آسان می‌کرد تا بر شمار دال‌های تهی پاسخ دهد و زنجیره‌ی هم‌ارزی و هم‌گونگی گفتمان‌های قیام کرده را سهل گرداند.

گفتمان سکولار اقتدارگرا همانند هر گفتمان دیگری در مراحل اولیه خود طیف متنوعی از نیروهای سیاسی و اجتماعی را در برداشت. وجه مشترک همه این نیروها نارضایتی از فضای موجود و چشم داشتن به جهانی مطلوب بود (الحیدری، ۲۰۱۵: ۳۸). این نارضایتی و میل به تغییر، به‌طور مشخص از زمان تدوین قانون اساسی در روح نیروهای مذکور رسوخ کرده و در این زمان، با شدت گرفتن مشکلات اقتصادی و اجتماعی، به اوج رسیده بود. گفتمان سکولار اقتدارطلب نیروهای متنوع را در یک زنجیره هم‌ارزی در مقابل گفتمان اسلام‌گرای دموکرات تحت پوشش خود قرارداد که با روی کار آمدن مرسی و در دوران حاکمیت ایشان، تحول گفتمانی یافته و به گفتمانی اقتدارطلب تبدیل شده، هویت بخشیدند.

مؤلفه‌های اصلی گفتمان سکولار اقتدارگرا

گفتمان سکولار اقتدارگرا می‌کوشد تا با بازخوانی مدرن ارزش‌های عربی-اسلامی و با تکیه بر سویه‌های هویت عربی گفتمان خود و به‌ویژه با تأکید کردن بر جنبه‌های مردم‌گرایانه و وحدت‌بخش نظام گفتمانی خود، در آینده یک گفتمان فراگیر، جذاب و معطوف به آینده را پی‌ریزی کند. از این‌رو، السیسی و دیگر حامیان آن، در تلاش‌اند تا با حاشیه‌رانی اخوانی‌ها و ترسیم تصویری تروریستی از این گفتمان، خود را ناجی امنیت مصر معرفی کنند. از سوی دیگر با جذب نیروهای سلفی در کنار الازهر و وزارت اوقاف درصدد است تا از نقش و جایگاه اسلام سیاسی اخوانی کاسته و به‌تدریج آن را ناکارآمد و بی‌فایده نامیده تا از این دریچه خودبه‌خود حذف گردد (هلال، ۲۰۱۵: ۱۸۶). در واقع گفتمان یادشده در جستجوی ترکیبی سازواره از هویت عربی و سکولاریسم بوده که با ادعای امنیت کل مصر، تلاش دارد تا تمامی نیروهای سیاسی را با خود همراه کند.

در اینجا با تکیه بر رفتار سیاسی و گفته‌های السیسی، سخنگوی اصلی این گفتمان، مفهوم‌های اصلی آن را بررسی می‌کنیم:



امنیت

از جمله مؤلفه‌های مورد تأکید ژنرال السیسی به‌عنوان گفتمان پیش‌رو، مقوله امنیت است.

از این رو، تمام تلاش خود را می‌کند تا با اصرار بر امنیت مصر، ضمن برجسته‌سازی عملکرد گروه‌های تروریستی و انتساب آن به اسلام‌گرایان، هم خود را ناجی ملت مصر معرفی کند و هم رقیب خود؛ اسلام‌گرایان را حاشیه‌نشین نموده و از این طریق، فعالیت‌های خشونت‌آمیز خود مثل حادثه میدان «رابعه عدویه» و «نهضت» را توجیه کرده چراکه به شدت از به قدرت رسیدن اسلام‌گراها می‌ترسد. علت آن نیز به نوع تعامل مرسی با ایشان و به طور کلی مجموعه ارتش باز می‌گردد که حکومت اخوانی در پی بهانه‌هایی بود تا ارتش را از گردونه قدرت مصر، بازنشسته کند. لذا شاهدیم همه چیز را امنیتی می‌بیند^۱ و در تلاش است تا قدرت نظامی مصر با محوریت ارتش را بالا ببرد.

البته خود این اقدام، می‌تواند دو دلیل داشته باشد؛ یکی تضمین آینده‌ای مستقل و خدشه‌ناپذیر برای ارتش؛ چراکه تجربه حکومتی اخوان گویای این است که امکان دارد حکومتی در مصر بر سر کار آید که جایگاه ارتش را تقلیل دهد؛ بنابراین تلاش دارد تا به شکل رسمی و قانونی، ارتش را مجموعه‌ای با استقلال بیشتر گرداند. دیگری اینکه بر آن است تا با چنین کاری نوعی قدرت بازدارندگی برای کشورش در مقابل تحولات بیداری اسلامی رقم بزند. به گونه‌ای که اگر بار دیگر کسی قصد انقلاب در مصر داشته باشد با ارتش و دولتی نیرومند روبرو خواهد بود.

از سوی دیگر اقدام جدید سبسی مبنی بر تدوین قانونی برای مبارزه با تروریسم، اگرچه گویای این است که به دنبال ساخت مصر با امنیت بالاست، ولی این امر بیانگر نگرش امنیتی ایشان به دولت‌مداری است که فرصت و فضای کافی برای قلع و قمع مخالفان خود تحت قانون مبارزه با تروریسم را به ایشان اعطا می‌کند.

عبدالفتاح السبسی در آخرین دیدار خود از کشور روسیه در گفتگوی مطبوعاتی باهمتای روسی‌اش این گونه بیان می‌دارد که: «در چهارچوبی که هر دو بر تحقق امنیت و ثبات منطقه خاورمیانه اصرار داشته و بدین امر تصریح می‌کنیم، امکان همکاری و تعامل بیشتری در پیش‌رو داریم».

جو امنیتی حاکم بر مصر را می‌توان در موضع‌گیری اخیر برخی منتسبین به سبسی و همچنین شبکه رسانه‌ای گسترده‌ای که برای تسلط اندیشه ارتشی خود، بر مردم شکل داده است، مشاهده کرد. برای مثال، بسیاری از وزرای دولت سبسی یا کسانی که دیروز در زمین مرسی بازی می‌کردند و امروز زمان اقتضا نموده است که زیر چتر سبسی قرار بگیرند سعی دارند مرسی و دولت‌ش را در مورد، اتهام فاش کردن اطلاعات امنیتی به قطر، به گونه‌ای منفی تصویر سازند که نشان دهند دولت پیشین با امنیت مصر بازی کرد و کل مصر را به دشمن فروخت و از این طریق

۱. البته این موضوع، با توجه به سابقه نظامی ایشان، امری طبیعی است. ولیکن اصرار بر چنین امری، متعارف نیست.

در پی ساخت هویتی پایدار برای خوداند.

فضای امنیتی که روزه‌روز در حال رشد بیشتر است در آینده‌ای نزدیک از درون میدان گفتمان نظامیان در کنار دال‌هایی دیگر که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم قرار گرفته و با بازسازی گفتمان سکولار اقتدارگرا، شاهد سقوط این گفتمان خواهیم بود. چراکه مردم و نخبگان این کشور از شکل‌گیری چنین فضایی به شدت در عذاب بوده و حاضر به پذیرش آن نیستند. برای مثال: بسیاری از اصحاب قلم و دانشگاهیان مصری از وضع علمی- فرهنگی و خفقان در این کشور معترض‌اند و اعتقاد دارند که اختناق اخیر در جامعه مصر بیش از دوران مبارک است. لذا این‌گونه می‌نویسند که: «امروزه در دانشگاه‌های مصر می‌بایست "کتاب سیسی" تدریس شود و هر کس از چنین امری استنکاف ورزد بداند که سرانجامش خیلی مشخص نیست!» یا اینکه به دستگیری دانشجویان توسط نیروهای امنیتی و دولتی اشاره داشته و از نبود آزادی بیان، عدم فضای باز برای انتقاد از اقدامات دولت، محدودیت پژوهش‌های دانشگاهی و حوزه فعالیت اساتید آن و گسترش روحیه ترس بر سرپرده جامعه علمی مصر شکایت دارند. از سوی دیگر، یکی از اساتید سیاست تطبیقی دانشگاه قاهره به نام «احمد عبد ربه» طی یادداشتی اظهار کرد که «آنچه از فشار بر جامعه دانشگاهی مصر شاهدیم، قابل مقایسه با زمان مبارک نیست». یا که «محمد عبدالسلام»، یکی از حقوق‌دانان مؤسسه آزادی اندیشه در مصر، بیان می‌کند: «محدودیتی که امروزه برای اساتید و دانشجویان دختر وجود دارد فقط از سوی رؤسای دانشگاه‌ها نیست بلکه رسانه‌ها هم بر آن‌ها نظارت دارند». این تنها بخشی از اظهاراتی بود که در اعتراض به فضای شکل‌گرفته بیان شده است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد اگرچه بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که یکی از علل سقوط مرسی این بود که نتوانست مصر جدید و مردمش را بفهمد. نظامی‌ها خود نتوانستند در این بازار تجدد، نو شوند. لذا همواره همان مشی نظامی‌گری اقتدارطلبانه مبارک و دیگر رؤسای جمهور مصر را دنبال می‌کنند.

مردم

این گفتمان بر آن است تا با تأکید بر اینکه مردم در جامعه مصر برای ما بسیار اهمیت دارند، تمامی اقدامات و فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را به‌نوعی منسوب به مردم کنند. به گونه‌ای که از همان ابتدای حضور در عرصه سیاسی، خود را خدمت‌گذار مردم معرفی کرده و در تلاش‌اند تا به آن‌ها بقبولانند که ارتش و نظامیان خود را فدای زندگی و آزادی این مردم می‌کنند. بر این اساس، می‌خواهند تا با برجسته‌سازی چنین فضای گفتمانی، رقیب را

به‌عنوان کسی که حاضر نبوده مردم را محترم شمارد و احترامی قائل نیست معرفی کرده و از این طریق خود را هژمون سازند.

این تصویر مردم‌داری که دولت تلاش می‌کند تا دایره آن را گسترده‌تر بسازد، به‌گونه‌ای که با نوعی احساس همدردی همراه است که از آن نمونه می‌توان به اقدام اخیر سبسی در آزادی زندانیان سودانی و یا تعداد زیادی از جوانان مصری، اشاره کرد.^۱

از سوی دیگر، به تازگی دفتر ریاست جمهوری در یک اقدام نمادین، ایمیلی را در شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک و تویتر، برای ارتباط با رئیس‌جمهور نشر داده است و از تمامی مردم مصر خواسته تا از این طریق، هرگونه سؤال یا درخواستی را با رئیس‌جمهور خود در میان گذارند. یا اینکه خود سبسی، اظهار داشت که برای کمک به رفع مشکلات اقتصادی مردم مصر نیمی از حقوق خود و نصف دارایی‌ام را به صندوق ذخیره ارزی تحویل دهم. علاوه بر این، در دیدار با همتای سنگاپوری‌اش در خصوص تأسیس شبکه جدید مصری بیان داشت که: «به ثمر رسیدن این پروژه، نتیجه حمایت‌ها و حضور فعال و همیشه در صحنه مردم است. از این رو، من آن را متعلق به ملت مصر می‌دانم». ایشان در بیانی دیگر اظهار داشت: «از دولت و ملت سنگاپور به خاطر حمایت از اراده مردم مصر در راه رسیدن به آزادی سپاسگزارم».^۲

ژنرال عبدالفتاح السبسی، هنگام افتتاح و راه‌اندازی شبکه‌ی «السویس»، طی سخنانی بیان داشت که: «ملت مصر توانست تا بر بزرگ‌ترین تشکیلات تروریستی فائق آمده و آن را دفن کند. آن‌ها حتی اگر در زمین مبارزه هم با این ملت روبرو شوند، مردم مصر، بینی آن‌ها را به خاک می‌مالد؛ و مطمئن باشید که تاریخ، این پیروزی و صلابت را به همگان گوش‌زد خواهد کرد».^۳

هویت عربی

از دیگر مؤلفه‌های این گفتمان که ارتشیان و دیگر همراهان آن‌ها روزبه‌روز به آن دامن زده و با بازخوانی ارزش‌های عربی در مقابل ارزش‌های به اصطلاح اسلامی مصر، بر آن هستند تا تصویری را از اسلام‌گرایان اخوانی ارائه دهند که آن‌ها خواهان برتری هویت اسلامی مردم مصر بر هویت عربی‌شان بودند این در حالی است که ملت مصر یک ملت عربی است و به این هویت عربی‌اش که تاریخی کهن و سابقه‌ی درخشان دارد، افتخار می‌کند. از این رو عبدالفتاح السبسی در ۲۶ مین اجلاس اتحادیه‌ی عرب که در شرم‌الشیخ برگزار شد طی سخنانی همین هویت عربی را اساسی برای اتحاد ملت‌های عربی و همراهی در جلوگیری از دخالت استعمار و

1. مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۰. <http://www.youm7.com/story/2015/8/6/%>

2. <http://24.ae/article/177147>, Last seen at 1/September/2015

3. <http://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate>, Last seen at 1/September/2015

دشمنان جهان عرب و همچنین رفع مشکلات اقتصادی برشمرده و بیان داشتند که: «باید همگان آگاه باشیم که امت عربی امروزه، انتظارات بسیاری از ما دارد و ما به‌عنوان مسئولین این مردم، وظیفه داریم که این انتظارات را پاسخ گو بوده و تلاش کنیم تا هرچه بیشتر و بهتر برای رفع نیازمندی‌های این مردم تلاش کنیم. ناگفته نماند که راه رسیدن به چنین امری، تقویت همکاری کشورهای عربی هست». ایشان در ادامه افزودند که: «امروزه شاهدیم که تهدیداتی بسیار امنیت ملی کشورهای عربی را در خطر قرار داده است و البته ملت عربی ما که از گذشته‌های دور تاکنون، دوره‌ای طولانی نزاع استعمارگران و بیگانگان را تجربه کرده است، هرگز در مقابل چنین مشکلاتی سرخم نیاورده و استوار ایستاده است. مصر امروز با تمامی مشکلات امنیتی و اقتصادی خود، تقویت روابط با کشورهای عربی منطقه را بر اساس هویت عربی در صدر برنامه‌های خود قرار داده و آماده‌ی تعامل در تمامی ابعاد حکومتی و غیر حکومتی است». مورد دیگری که نشان از تأکید بسیار السیسی بر این هویت عربی و برجسته‌سازی آن در مقابل هویت اسلامی دارد، این بخش از گفته‌های اوست که در همین جلسه نه تنها به سابقه اسلامیت مصر اشاره‌ای نمی‌کند که با اصرار بر هویت ملی‌گرایی عربی مصر، این کشور را «بیت العرب» می‌خواند.^۱

توسعه اقتصادی

از جمله دال‌های شناور گفتمان حاکم بر مصر پیش از تحولات سال ۲۰۱۱ و همچنین گفتمان اسلام‌گرای دموکرات که با هژمونیک کردن خود توانست ریاست مصر را با حاشیه‌رانی رقبایش به نام خود ثبت کند، توسعه اقتصادی و یا به تعبیری دیگر، حل بحران اقتصاد بیمار این کشور و حرکت آن به سوی پیشرفت بوده است. همین خلأ، سبب شد تا نوعی نزاع گفتمانی بین نیروهای سیاسی مصر در برهه سقوط مرسى شکل بگیرد. ارتش و دیگر نیروهای امنیتی مصر، با همراهی گفتمان‌های سکولار دیگر و همچنین همراه ساختن منتقدین مرسى به خصوص اسلام‌گرایان رادیکال توانستند دولت مرسى را نه تنها یک دولت ضعیف در عرصه اقتصادی نشان دهند، بلکه خود اقدامات این کشور را، عاملی برای شدت بحران‌های اقتصادی برمی‌شمردند. به همین سبب، بر رشد تروریسم و اعمال خشونت‌بار که موجب تخریب و اضمحلال اقتصاد گردشگری به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اقتصادی مصر تأکید ورزیده و با ارائه‌ی برنامه‌های اقتصادی مبهم توانستند خود را در نهایت حاکم بر مصر سازند.

1. <https://www.youtube.com/watch?v=0D5m8A2qW8w>,

«فیلم سخنرانی عبدالفتاح السیسی در اجلاس اتحادیه‌ی عرب» 1/September/2015. Last seen at

از این رو، از جمله مؤلفه‌های مورد تأکید این گفتمان، رشد و توسعه اقتصادی مصر است. از آنجایی که ارتش مصر، خود یکی از شعب اصلی اقتصاد این کشور به شمار می‌رود اصرار سبسی بر این بخش از نظام مصری، بی‌دلیل نیست. از این رو، شاهدیم که امروزه با برگزاری اجلاس‌ها و کنگره‌هایی بسیار در بخش‌های مختلف این کشور، سعی دارد تا ضمن برقراری ثبات اقتصادی در مصر، رشد و توسعه اقتصادی آن را آغاز کند تا بتواند از آن به‌عنوان برگی برنده برای هژمونیک شدن دوباره بهره‌گیرد.

عبدالفتاح السیسی در خلال دیدار خود از کشور اردن و در اجلاس مطبوعاتی، اقتصاد مصر را از دوران به قدرت رسیدن خودش، اقتصادی روبه‌پیشرفت دانسته و بیان داشت که: «بر اساس معیارهای بین‌المللی و آمارهای جهانی، امروزه اقتصاد مصر از جایگاه خوبی برخوردار بوده و توانسته است تا اعتماد مردم خود را جلب کند؛ بنابراین، دولت مصر تمام تلاش خود را برای بهبود هرچه بیشتر اقتصاد این کشور خواهد نمود»^۱.

با این حال از زمان روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی، دولت مصر درصدد است تا با برقراری روابط نزدیک با همسایگانش کمبودهای اقتصادی را جبران کرده و با بالا بردن سطح مراودات اقتصادی و سیاسی، راهی برای گریز از این بحران‌های مالی فراهم کند. لذا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، در نشستی که سال گذشته در شرم‌الشیخ برگزار شده بود، وعده دادند که ۱۲ میلیارد دلار از طریق بانک مرکزی مصر در این کشور سرمایه‌گذاری کنند. در مرحله اول، امارات ۲ میلیارد دلار، عربستان یک میلیارد دلار و عمان هم ۵۰۰ هزار دلار طی ۵ سال آینده در مصر سرمایه‌گذاری می‌کنند.^۲

در همین خصوص، برخی تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که «باگذشت یک سال از حکومت السیسی با وجود آنکه بسیاری از منتقدان برخی سیاست‌های سخت‌گیرانه و نظامی‌مآبانه حکومت او را موجب تضعیف اقتصاد می‌دانند، طرح‌هایی که برای اصلاحات اقتصادی مصر به اجرا گذاشته شد، کم‌کم بارقه‌هایی از امید را نمایان می‌سازد. گویی ثبات و امنیت پس از سال‌ها به زندگی مردم مصر بازمی‌گردد و سرمایه‌گذاران و گردشگران راه خود را به مصر باز می‌یابند»^۳.

برخی دیگر از متخصصین اقتصاد مصر چون «ابراهیم عیسی» بر این باورند که اقتصاد مصر با روی کار آمدن سبسی، رو به فلاکت می‌رود.^۴

1. <http://www.elwatannews.com/news/details/735202>, Last seen at 1/September/2015

2. <http://www.ghatreh.com/news/nn25266946>, Last seen at 1/September/2015

3. <http://vafameshkat.gorgblog.ir/page-160466.html>, Last seen at 1/September/2015

4. <http://www.aljir-news.com/news/?p=42619>, Last seen at 1/September/2015

ترسیم یک چنین شرایطی برای این بوده تا مفصل‌بندی امروز سبسی برای خروج از بحران، بهتر روشن گردد. در این پیکره‌بندی، اقتصاد ارتش یک بال منظومه معنایی بوده و می‌کوشد تا ضمن معنا بخشی به نظام اقتصادی جدید خود دایره کنشی ارتش در عرصه اقتصادی را وسعت بخشد. یک چنین طبقه‌بندی اگر چه در کوتاه مدت به علت شکل‌گیری ثبات اقتصادی، رضایت‌بخش خواهد بود لکن تجربه نشان می‌دهد که مفصل‌بندی گفتمانی ژنرال‌ها در عرصه اقتصادی نمی‌تواند در درازمدت کارایی رضایت‌بخشی نشان دهد.

عدالت اجتماعی

گفتمان عدالت اجتماعی را در چارچوب هویت عربی و ملی‌گرایی مصری تعریف می‌کند و دین و ایدئولوژی را برای نیل به عدالت اجتماعی و در اساس ارائه تعریفی هرچند نظری از آن، دخیل نمی‌داند؛ بنابراین درجه‌بندی و طیف‌بندی اجتماعی مصریان را رد نموده و سعی دارد تا عدالت اجتماعی مدنظر خود را به امنیت این کشور ربط و آن را مدرن سازد. از این رو، عبدالفتاح السیسی، نبود عدالت اجتماعی و همچنین فقر و نابرابری را از جمله مشکلات ریشه‌ای اقتصاد مصر جدید دانسته و راه برون‌رفت از آن را، مبارزه با فقر و نادانی می‌داند. لذا معتقد است که: «از جمله مشکلات کشورهای عربی به خصوص مصر؛ اقتصادی و همچنین اجتماعی است؛ که از مهم‌ترین این مشکلات: بیکاری جوانان؛ بی‌سوادی؛ فقر و نبود عدالت اجتماعی است. بدون شک چنین شرایطی، امنیت کشورهای عربی را با خطر جدی روبرو خواهد ساخت؛ لذا همگی می‌بایست برای رفع این مشکلات، دست در دست هم دهیم تا بتوانیم مطالبات مردم را پاسخگو باشیم». سبسی، فقر و نادانی و در پی آن نبود عدالت اجتماعی را دلیل اصلی تروریسم دانسته که معتقد است یک چنین امری، کشورهای عربی را ناامن کرده است. در همین باره می‌گوید: «در خصوص مبارزه با تروریسم، می‌بایست اشاره کنم که راه نیل به یک مبارزه‌ی حقیقی و کارآمد، آن است که همگان تلاش کنیم تا اسبابی را که منجر به چنین فضایی می‌شود برطرف کنیم که از آن جمله می‌توان به فقر و نادانی اشاره داشت»^۱. از سوی دیگر در اولین حضور رسمی خود در سازمان ملل متحد این عدالت اجتماعی را به هویت عربی و ملی‌گرایی مصری پیوند زده^۲ و بیان داشت: «ملت مصر طی سال‌های اخیر، بار دیگر و از نو، تاریخ خود را ساخت. در این میان، تأکید مردم مصر در لابه‌لای این بازسازی، بر مقولاتی چون کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، به‌عنوان حق مسلم آن‌ها و هم‌سویی چنین درخواستی با

1. <http://www.masralarabia.com/%>, Last seen at 1/September/2015

2. <http://www.elshaab.org/news/136916/>, Last seen at 1/September/2015

هویت عربی، این حرکت تاریخی را برجسته‌تر می‌سازد.^۱

حقوق شهروندی و کرامت انسانی

ژنرال عبدالفتاح السیسی، با تأکید بر مفهوم برابری، طبقه‌بندی اجتماعی شهروندان را نفی کرده و بر وظیفه دولت در احترام به حقوق مردم و حفظ کرامت انسان‌ها تأکید می‌ورزد.^۲ از نظر وی نظامی مطلوب است که در آن از هر دین و طایفه‌ای تا آنجا که قصد تجاوز به حریم امنیتی مصر نداشته باشد حقوق انسان ادا شود. در همین باره، سیسی پس از ادای سوگند برای جلوس رسمی بر صندلی ریاست، مردم مصر را این‌گونه خطاب قرار داده و گفته است: «امروز پس از ادای سوگند، به شما مردم مصر وعده می‌دهم که تمام تلاش خود را برای دفاع از وطن و نگهداشت آن خواهم کرد و می‌کوشم تا وحدت را بین دستگاه‌های مختلف کشور برقرار نموده و ضمن احترام به حقوق تمامی شهروندان مصری آن‌ها را به‌خوبی رعایت کنم. چراکه من رئیس‌جمهور تمامی مردم مصر هستم؛ بنابراین بین ملت مصر تفاوتی قائل نیستم. همچنین قسم یاد می‌کنم که مصری ایمن داشته باشیم و حفاظت از تمامی اراضی آن را وظیفه خود می‌دانم».^۳ در گفتمان سیسی، حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی به‌عنوان دو خواسته جدی مردم اهمیت بنیادین دارد. لذا می‌گوید: «بسیار کسانی بودند که از همان شروع تغییرات اخیر مصر، بر آن بودند که به‌نوعی جهت این تحولات را منحرف سازند. آن‌ها نمی‌دانستند که این تغییرات، نتیجه انقلاب مردمی است که از دل اراده مردم برای انتقال به وضعیتی برتر و نیل به آزادی سیاسی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی بیرون آمدند. از این‌رو است که برنامه آن عده خرابکار به هم خورده».^۴

مبارزه با تروریسم

کشور مصر پس از تحولات ۲۰۱۱، شاهد رشد فعالیت‌های تروریستی و منازعاتی بسیار در برخی مناطق، چون صحرای سینا بوده است (حسین، ۲۰۱۲: ۱۸۲). از آنجایی که تعدادی از نیروهای تکفیری در این منطقه حضور دارند چنین اقداماتی ابزاری برای گفتمان اسلام‌گرایی را کوبیدن شده است. از این‌رو ژنرال سیسی بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقش داشتن اسرائیل در این تحولات، می‌کوشد تا این اقدامات تروریستی را به نیروهای اسلام‌گرا ربط دهد تا از این طریق

1. <http://www.youm7.com/story/2014/9/24>, Last seen at 1/September/2015

2. <http://almesryoon.com/>, Last seen at 1/September/2015

3. <http://www.horytna.net/Articles/Details.aspx?AID=118154>, Last seen at 1/September/2015

4. <http://almesryoon.com/>, Last seen at 1/September/2015

دید مردم را نسبت به تمامی اسلام‌گرایان به خصوص اخوانی‌ها بد سازد و در نتیجه گفتمان رقیب خود را به حاشیه رانده یا به کلی حذف کند. جالب این‌جاست که خود سوسی، برای به حاشیه راندن اسلام‌گرایان میانه‌رو، سلفی‌ها را که کارنامه‌ای رادیکالی در مصر دارند با خود همراه ساخته است و با حمایت از آن‌ها، کمر به تخریب اخوانی‌ها بسته است. تحت چنین شرایطی او یکی از وظایف دولت خود را مبارزه با تروریسم دانسته و بیان داشته است که: «قاهره همواره نسبت به گسترش پدیده تروریسم هشدار می‌دهد؛ زیرا با توجه به اهمیت محافظت از نهادهای کشور و ممانعت از تخریب آن‌ها تاکنون اقدامات کارآمدی برای متوقف کردن نفوذ تروریست‌ها و کمک‌رسانی‌های مالی و تسلیحاتی به گروه‌های افراط‌گرا در کشورهای منطقه صورت نگرفته است»^۱.

همچنین پس از دیدار با همتای روس خود، طی اجلاس خبری بیان داشت: «رئیس‌جمهور روسیه تمامی خطرهای موجود در خاورمیانه، به‌ویژه خطر تروریسم را که تمام منطقه و بلکه جهان را تهدید می‌کند درک کرده». همچنین افزودند که «محورهای اساسی روابط مصر با روسیه، بر پایه همکاری‌های اقتصادی و هماهنگی برای مبارزه با تروریسم تکیه دارد». او در همین دیدار و در جملات پایانی‌اش، خواستار اتخاذ یک استراتژی جهانی برای مبارزه با تروریسم شد و تمامی کشورهای جهان را به مبارزه با این پدیده شوم تشویق کرد.

مبارزه با تروریسم، آن‌قدر برای این گفتمان مهم هست که جمله‌های سخنان اخیر سوسی، مشحون از این واژه یا کلماتی است که بیانگر چنین معنایی هستند. برای نمونه، ایشان در دیدار با تعدادی از رسانه‌های اماراتی، عنوان داشتند که «تروریسم به بالاترین حد خود در منطقه رسیده است و سرزمین‌های ما مثل عراق؛ مصر؛ یمن؛ سوریه و لیبی امروزه خطرناک‌ترین مرحله تاریخی خود را تجربه می‌کنند. مبارزه‌ی با تروریسم فقط به افزایش راهبردهای امنیتی محدود نمی‌شود بلکه لازم است تا در این راستا فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای خود را بیشتر کنیم»^۲.

استراتژی سیاسی برای مبارزه با تروریسم، محدود به همین موضع‌گیری‌های لفظی نیست بلکه درصحنه عمل هم تلاش کرده تا تروریسم ستیزی و نفی خشونت را نهادینه کند. از این‌رو، قانونی تحت عنوان «قانون مبارزه با تروریسم» را مدتی پیش تصویب کرد که به موجب این قانون، هر فردی که اخبار کذب در خصوص حملات یا عملیات علیه جنگجویان افراطی منتشر کند، به پرداخت جریمه‌ای تا مبلغ ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار لیره‌ی مصر (بین ۲۳ هزار تا ۵۸ هزار یورو) محکوم خواهد شد و افرادی که عملیاتی تروریستی را طراحی، مدیریت و تأمین مالی می‌کنند با مجازات

1 . <http://alwafd.org/>, Last seen at 1/September/2015

2 . <http://www.alarabiya.net/ar/arab-and-world/egypt/2014/11/14/%D8%A7%>, Last seen at 1/September/2015

اعدام روبه‌رو می‌شوند. این در حالی است که بسیاری معتقدند خود چنین راهبردی، موجب می‌شود تا روزه‌روز خشونت در مصر افزایش یابد^۱ و از سوی دیگر خود نظام سیسی، به بهانه مبارزه با تروریسم اقدامات خشونت‌طلبانه‌اش را توجیه کند.

سیاست خارجی مستقل

ژنرال سیسی در مراسم تحلیف خود اعلام کرده بود که مصر در دوره جدید به دنبال ثبات است و نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود را باز خواهد یافت. این مسئله گویای این است که در دوره ریاست جمهوری ایشان، سیاست خارجی نقش پررنگی دارد. او در این مورد هم به غیریت‌سازی پرداخته و بیان داشته است که با تمامی کشورها به‌جز کشورهایی که حامی تروریست هستند روابطی حسنه بر مبنای منافع کشور مصر خواهیم داشت. به همین خاطر می‌توان گفت که سیاست خارجی مصر در دوره گفتمان سکولار اقتدارگرا به نمایندگی ژنرال السیسی، در سه ساحت: جهان عرب؛ افریقا و نظام بین‌المللی قابل‌بررسی است. به گونه‌ای که هویت عربی مصر در روابط خارجی با کشورهای دیگر، امری اساسی بوده که رعایت احترام آن برای هر کشور دیگر بدیهی می‌نماید. با تأمل در اظهارات و رویکردهای دولت سیسی و اطرافیان‌ش می‌توان گفت که سیاست خارجی مصر در دوره سیسی، تحت تأثیر چند مؤلفه هست که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را این‌گونه بیان داشت:

۱. مصلحت مصر؛

۲. امنیت کشورهای عربی و به‌طور خاص کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس؛

۳. وحدت عربی (وحدت کشورهای عربی)؛

۴. مبارزه با تروریسم؛

۵. اقتصاد مصر (توسعه‌ی اقتصادی).

این گفتمان بر آن است تا سیاست خارجی پویایی از خود نشان داده که به هیچ دولتی وابسته نیست. از این رو پس از تردید امریکا در خصوص هم‌سویی با مصر، سیسی عبدالفتاح از حمایت امریکا ناامید گشته و ضمن تلاش برای حفظ هم‌پیمانان منطقه‌ای خود، در تلاش است تا قدرت‌های بزرگ دیگر را جایگزین امریکا کند.^۲

سیسی که سعی دارد تا مصری مستقل در عرصه خارجی به ملت عرب منطقه نشان دهد، موضعی به طور کامل دوگانه در قبال قضیه فلسطین اتخاذ کرده و بر روابط با اسرائیل اصرار می‌ورزد. به گونه‌ای که برخی سایت‌های خبری اسرائیل از روابط دوستانه‌ی اسرائیل و مصر خبر

1. <http://www.ahewar.org/debat/s.asp?aid=342695> , Last seen at 1/September/2015

2. http://www.bbc.com/arabic/multimedia/2015/06/150608_egypt_sisi_one_year , Last Seen at 1/September/2015

می‌دهند. او با متنوع کردن رابطه‌ی راهبردی با کشورهای دیگر در عرصه خارجی، درصدد آن است تا هم خود را به‌نوعی از زیر یوغ منت آمریکا بیرون براند و هم تهدیدی برای امریکا رقم بزند که در صورت طرد مصر از دایره حمایت‌های خود پازل سیاست‌های خاورمیانه‌ای این کشور به هم خواهد خورد.^۱

نتیجه‌گیری

رشد و گسترش تحولات سال ۲۰۱۱ تونس موجب شد تا شعله‌های انقلاب در این کشور، به دیگر کشورهای عربی همسایه آن نفوذ کرده و حیات سیاسی آن دیار را نو سازد. مصر به‌عنوان آبخور گروه‌های سیاسی متعدد در جهان عرب، یکی از این کشورهاست به گونه‌ای که با پیدایش انقلاب در آن به دنباله انقلاب تونس و با مشارکت جوانان انقلابی و گروه‌هایی با ایدئولوژی‌های متعدد، نظام سیاسی جدیدی را تجربه کرد. هم‌زمان با تحولات یاد شده هرکدام از گروه‌های مذکور، در تلاش بودند تا با الهام از منظومه معنایی به خصوصی نبض سیاسی تحولات مصر را در دست گرفته و کرسی ریاست را به نام خود ثبت نمایند. از این رو، شاهدیم که مجموعه‌ای از گفتمان‌های سکولار و اسلام‌گرا با دو مسلک اقتدارگرایی و دموکرات شکل گرفته و رفته‌رفته بر وسعت دایره تضاد یا همکاری آن‌ها افزوده شد تا اینکه شاهد نوعی تداخل گفتمانی هستیم. این پیوستگی نظام‌های معنایی سبب شد تا فهم تحولات این کشور پیچیده گردد. یکی از گفتمان‌هایی که هم‌زمان با تحولات و به‌خصوص باروی کار آمدن محمد مرسی، سعی در بازخوانی و هژمون‌سازی خود داشته، گفتمان سکولار اقتدارگرا به رهبری نظامیان این کشور است. ارتش و گروه‌های نظامی مصر، پس از استعفای مبارک، قدرت را در دست گرفته و توانستند شرایط شکل‌گیری انتخابات را در این کشور فراهم آورند. نتیجه این که طی یک رقابت انتخاباتی، گفتمان‌های شرکت‌کننده در انتخابات از سوی گفتمان اسلام‌گرای دموکرات به رهبری اخوان‌المسلمین به حاشیه رانده شده و هویتی تازه گرداگرد اسلام سیاسی شکل گرفت. پس از به قدرت رسیدن این گفتمان، گفتمان‌های رقیب که راضی به نوع رفتار سیاسی اخوانی‌ها و تعامل آن‌ها نشدند، بلکه تلاش کردند تا با تأکید بر دال‌های شناور در حوزه گفتمان چون توسعه اقتصادی و مساوات و ترسیم مدینه‌ای از نظام مطلوب خود، گفتمان اسلام‌گرای دموکرات را ناکارآمد نشان داده و به حاشیه برانند. پژوهش پیش‌رو در پاسخ به این سؤال شکل گرفته است که اساس گفتمان سکولار اقتدارگرا به‌عنوان گفتمان کنونی حاکم بر مصر، چه معنا و مفهومی داشته؟ و

1. <http://www.aljazeera.net/programs/arab-present-situation/2014/8/30/>, Last seen at 1/September/2015

چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ از سوی دیگر، مؤلفه‌های حاکم بر این گفت‌وگو کدام‌اند؟ پژوهش‌گران با مینا قرار دادن نظریه روش لاکلا و موفه به‌عنوان ابزاری برای فهم گفت‌وگو یادشده، نظام معنایی این گفت‌وگو را فهم و پیکره‌ی گفت‌وگویی‌اش را ترسیم نمودند.

در جریان تحولات سال ۲۰۱۳، شاهد نوعی تعامل و همکاری گفت‌وگویی بین اسلام‌اقتدارگرا و سکولار دموکرات با سکولار اقتدارگرا در به‌حاشیه‌رانی گفت‌وگو اسلام‌گرای دموکرات بودیم. رهبری این اعتراضات را که با گلوله‌های اسلحه به‌پیش می‌رفت، نظامیان مصر بر عهده داشتند. این گروه با معنای بخشی به دال‌هایی چون توسعه اقتصادی؛ حقوق شهروندی و کرامت انسانی؛ عدالت اجتماعی؛ مبارزه با تروریسم؛ حاکمیت مردم و استقلال در سیاست خارجی گرداگرد دال مرکزی «امنیت» تمام تلاش خود را برای به‌حاشیه‌رانی این گفت‌وگو کرده و توانستند با طرح‌ریزی کودتایی نظامی به این امر نایل آیند. ناگفته‌نماند که همین منطبق گفت‌وگویی را می‌توان در رفتار سیاسی مبارک و حزب دموکرات ملی نیز شاهد بود. از این‌رو، به نظر می‌رسد که گفت‌وگو حاکم بر مصر تفاوت‌چندانی با نظام پیشین نداشته است جز اینکه توانسته تا نظام معنایی گفت‌وگو مبارک را بازخوانی کند.

منابع

الف) منابع فارسی و عربی

- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- آزندت، حنّه. (۱۹۹۲). *فی العنف*، ترجمه ابراهیم العریس، بیروت: دارالساقی.
- إسماعیل صالح، شمس الدین. (۲۰۱۴). *أسباب سقوط حکم الإخوان*، القاهرة: شمس للطباعة و النشر.
- احمدیان حسن. (۱۳۹۱). «گذار مصر از رژیم اقتدارگرا؛ عوامل و زمینه ها»، *مجله: روابط خارجی*، بهار شماره ۱۳.
- اشتریان، کیومرث؛ امامی میدی، راضیه. (۱۳۹۱). «پیشینه پژوهش و مرور سیستمی ادبیات علمی (۱) پیشنهاداتی برای دستور کار دانشکده ها و موسسات پژوهشی و پایان نامه های تحصیلات تکمیلی اصول و مبانی»، *فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، پاییز، دوره ۴۲، شماره ۳.
- بودریا، چان. (۲۰۱۰). *روح الارهاب*، ترجمه بدرالدین عرودکی، القاهرة: دارالکتب.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۹). *نظریه های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها*، تهران: سمت.
- توفیق، محمد. (۲۰۱۴). *الطائفیة و الاستقطاب السیاسی فی مصر و تطیف المجال العام و توظیفاته السوسیوسیاسیة فی مصر بعد ثورة يناير*، القاهرة: منتدى العلاقات العربیة و الدولیة.
- حسین، خلیل. (۲۰۱۲). *ذرائع الارهاب الدولی و حروب الشرق الاوسط الجدید*، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیة.
- حمودة، حسن؛ محمد، احمد. (۱۹۸۵). *أسرار حركة ضباط الأحرار و الإخوان المسلمون*، القاهرة: الزهراء للإعلام العربی.
- الحیدری، ابراهیم. (۲۰۱۵). *سوسیولوجیا العنف و الارهاب*، بیروت: دارالساقی.
- درخشه، جلال؛ هراتی، محمدجواد. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی تأثیر نارضایتی انقلابی بر نظام سازی آینده انقلاب در ایران و مصر»، تهران: *دو فصلنامه دانش سیاسی*، سال نهم، بهار و تابستان، شماره ۱.
- زحمت کش، حسین؛ و دوست محمدی، احمد. (۱۳۷۸). «زمینه های گفتمانی عروج بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، شماره ۳.
- شایرو، ایان. (۲۰۱۲). *نظرة الاحتواء ماوراء الحرب علی الارهاب*، بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.

- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه‌ی محمد نبوی و مه‌ران مهاجر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- مسعد، نیفین. (۲۰۱۰). *کیف یصنع القرار فی الاظمه العربیه*، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
- مسعودنیا، حسین؛ سعیدی، حیزانی ندا. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم‌انداز تحولات کشور مصر»، تهران: *دانش سیاسی*، سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۱.
- مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، بهار، شماره دوم.
- مک دائل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مورو، محمد. (۱۹۹۴). *الحركة الإسلامیة: رؤیه من قرب*، القاهرة: الدارالمصریه للنشر و التوزیع.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- هدایت، سیداحمد. (۱۳۸۶). «نگاهی به چگونگی پیدایش و تشکیل جنبش اسلامی در مصر»، *مطالعات افریقا*، شماره ۱۵.
- هراتی، محمدجواد؛ ظفری، محمود. (۱۳۹۲). «تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب سالامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، تهران: *فصلنامه‌ی انقلاب اسلامی*، سال دوم، پاییز، شماره ۸.
- هلال، علی‌الدین. (۲۰۱۵). *حال الأمة العربیه*، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.

- <http://www.youm7.com/story/2015/9/1/%D9-> Last Seen at 1/September/2015.

- <http://almesryoon.com/index.php?option=com>, Last Seen at 1/September/2015.

- <http://www.youm7.com/story/2015/8/6/%> , Last Seen at 1/September/2015.

- <http://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate>, Last Seen at 1/September/2015.

- <https://www.youtube.com/watch?v=0D5m8A2qW8w> «فیلم سخنرانی عبدالفتاح السیسی در اجلاس اتحادیه ی عرب» مشاهده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۰
- <http://www.elwatannews.com/news/details/735202>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.ghatreh.com/news/nn25266946>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://vafameshkat.gorgblog.ir/page-160466.html>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.aljisr-news.com/news/?p=42619>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.masralarabia.com/%>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.elshaab.org/news/136916/>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.youm7.com/story/2014/9/24>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.horytna.net/Articles/Details.aspx?AID=118154>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://almesryoon.com/>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://alwafd.org/>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.alarabiya.net/ar/arab-and World/ Egypt/ 2014/11/14/%D8%A7%>, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.ahewar.org/debat/s.asp?aid=342695>, Last Seen at 1/September/2015.
- http://www.bbc.com/arabic/multimedia/2015/06/150608_egypt_sisi_one_year, Last Seen at 1/September/2015.
- <http://www.aljazeera.net/programs/arab-present-situation/2014/8/30>, Last Seen at 1/September/2015.

